

بسمه تعالی

معماری خانه

(لزوم بازنگشتن به مفاهیم معماری ایرانی)

مؤلف:

نیاز عظیمی

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

خرداد ۱۳۹۵

سرشناسه: عظیمی، نیاز، ۱۳۶۷ -
عنوان و نام پدیدآور: معماری خانه (لزوم بازگشت به مفاهیم معماری ایرانی)/
مؤلف: نیاز عظیمی.

مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۲۱۸ص: مصور، جدول، نمودار.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۰۴۴-۳

وضاحت فهرست نویسی: فیبا
ردداشت: کتابنامه.

موضوع: معماری خانگی -- ایران
موضوع: Architecture, Domestic -- Iran

رده بندی کنگ: ۱۳۹۵ م ۶ع/NAV۴۲۱

رده بندی دیوید: ۷۲/۰۹

شماره کتابشناسی: ۴۲۱-۱۳۸

نام کتاب: معماری خانه (لزوم بازگشت به مفاهیم معماری ایرانی)

مؤلف: نیاز عظیمی

ناشر: ارسطو (چاپ و نشر ایران)

صفحه آرایي و تنظيم: پروانه جری

طرح جلد: نسیم قباخلو - نیاز عظیمی

تیراژ: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

چاپ: مهتاب

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۰۴۴-۳

تلفن های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۵۱

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	پیشگفتار
۷	مقدمه
۹	پیشینه معماری در ایران
۲۱	انسان و نیاز به داشتن خانه
۳۶	نیازهای انسان و روند تکامل مسکن
۶۲	گونه‌شناسی مسکن
۹۳	عوامل تاثیر گذار در مجتمع‌های مسکونی
۱۱۴	لزوم بازگشت به (مفاهیم) معماری ایرانی
۱۵۱	تبیین الگوهای ساختاری خانه در معماری سنتی و مدرن
۱۶۵	استانداردها در طراحی مسکن
۲۱۰	منابع

پیشگفتار

خانه، بدها، مقصد زندگی روزمره انسان است. انسان‌ها برای کار و فعالیت اجتماعی از آن خارج می‌شوند و پس از کسب کار و تجربه به خانه باز می‌گردند. "خانه گوشه‌ای است که ما پس از تجربه‌ی ابعاد مختلف جهان پیرامون، به آن باز می‌گردیم. خانه برای انسان از چنان اهمیتی برخوردار است که بی‌نوان آن را مرکز دنیای فرد نامید. "بنابراین خانه باید بتواند در فضای درونی و جلوه بیرونی خود تزیین "مرکز دنیای فردی بودن" را برآورده سازد. امروزه به علت جبر زندگی و یا تک بعدی، نگرش و توجه به اقتصاد، بسیاری از ارزش‌های انسانی، اجتماعی، بومی و فرهنگی نادیده گرفته می‌شود.

در طول تاریخ بشر، تأمین مسکن یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر بوده است و دائماً در صدد تکمیل مسکن بوده است ابتدا غارنشینی را تجربه می‌کند به تدریج همراه با تکامل مسکن و دستیابی به سرپناه مناسب در صدد رسیدن به آن می‌گردد. در مسیر تاریخی و در تحولات زندگی اجتماعی مسکن هم متحول می‌شود و مانندی بینیم که بخشی از تاریخ بشر وجود داشته باشد که در آن برهه، تحولات مسکن متوقف شده باشد. بشری توسعه تکمیل و زیبایی‌سازی محل اقامت خود وقت گذاشته است. به نظر می‌آید که در یک تعقل، تفکر، پندار و کردار برای ساخت مسکن شکل می‌گرفته است. مسکن تأثیرات وسیعی بر شخصیت، زندگی، تفکر و سلامت انسان دارد. اما سؤال این است که در گذر انسان از زندگی سنتی به صنعتی و غیره، او در چنین شرایطی آیا توانسته است مسکن مناسب خود را که تمام نیازهایش را پاسخ دهد برای خود فراهم کند؟ آیا مسکن فعلی انسان، مناسب با نیازهای آرامش، امنیت، زیبایی‌شناسی، آسایش، راحتی، سلامت، تفریح و خلوت او هست؟ (حائری، ۱۳۸۸: ۵)

در اینجا به این نکته مهم باید توجه داده شود که مفاهیم و مضامین فرهنگی نباید به صورت مستقیم در مرحله خلاقیت فضایی قرار گیرند و تبدیل به اثر معماری شوند بلکه باید در یک روند خلاقیت فکری از یک مرحله تجریدی عبور کنند و به بیان و یا ایده معمارانه بدل گردند و پس از آن خلاقیت فضایی، تلاش خود را در جهت تحقق بخشیدن به این ایده معمارانه آغاز می کند.

بنابراین مفاهیم، اسطوره ها، مضامین و دیگر تولیدات فکری اشتراکات زیادی در فرهنگ های مختلف دارند و عمدتاً مفاهیم واحدی اند که در سرزمین های مختلف به صورت های گوناگون بیان شده و به تصویر آمده اند. پس هر اندازه قدرت فضایی و شکلی اثر معمار بیشتر و غنی تر باشد، به همان اندازه توانایی بیشتری را برای به خود گیری و ارائه مفاهیم مختلف نشان می دهد. همان طور که با دیدن آثار موجود در سرزمین ایران آن مفاهیم اولیه ای را که مد نظر بوده است در آن می یابیم، لیکن به هیچ وجه آن را مقید به یک سرزمین معین و یا یک مفهوم معین نمی بینیم و نباید آن را با دیگر سرزمین ها و دیگر مفاهیم احساس می کنیم و از این رو این کارها خصلت جهانی بوی از خود نشان می دهند.

به همین جهت بر آنیم تا علاوه بر احیای مفاهیم معماری سرزمینمان، در اغنای طراحی ساختمان بکوشیم و تکنولوژی معماری سنتی خود را با ابدان در ابداع آن پیشتاز بوده اند (سیستم های تهویه طبیعی، نور، آکوستیک، ساخت و غیره) را نیز احیا کنیم و آن ها را متناسب با تکنولوژی روز در اختیار همگان قرار دهیم.

مقدمه

اساس نرين عاملی که بر معماری تأثير گذاشته و به آن جهت می دهد مردمی هستند که استفاده کنند گان آنهاند. همین جهت ارزش، اعتبار و موفقیت یک اثر معماری به این اصل وابسته است که این اثر معماری تا چه اندازه در تامین آسایش و راحتی مردم موفق بوده و توانسته نیازهای آنها را برآورد. بنابراین اثری که نتواند آسایش استفاده کنندگان خویش را برآورده سازد، نمی توان به عنوان معماري به شمار آورد.

باید به این نکته توجه داشت که مردم در اثر خصوصیات ظاهری و نژادی، تعداد اعضای خانواده و جنس آنها، نوع ساخت ابنیه و غیره بایکدیگر متفاوتند؛ (که باید این اختلافها شناخته شده و در تحلیل های معماری مورد استفاده قرار گیرند). بلکه نیازها، خواسته ها، عادات، اعتقادات، باورها و شیوه زندگی مردم نیز مانند هم نبوده و این امر در طراحی های معماری اهمیت فوق العاده و اساسی دارد. به همین علت یکی از معتبرترین منابع برای شناخت فرهنگ یک قوم بررسی بناها و معماری آن قوم است. این امر را در مورد یک تک افراد نیز می توان تعمیم داد، زیرا آنها برای استفاده بهینه از خانه هایشان آن را طوری می سازند و آرایش می دهند که با تمام نیازها و اعتقاداتشان هماهنگ باشد؛ به همین دلیل خانه آنها بیان کننده خصوصیات فردی صاحبانش می باشد، و بازتاب دهنده شخصیت وجودی وی است، چرا که انسان ها این نیاز را حس می کنند که محیط خود را شخصی و خصوصی کنند.

ایران در مرز میانه گرایش های شدید مذهبی و باورهای تاریخی و فرهنگی و آیینی از یک سو و مختصات نظم پذیری و بریدن از هستی شناسی به شیوه کهن و روی آوری به

معرفت‌شناسی (epistemology) از طریق عقل محوری خود بنیان ابزار ساز جهان مدرن از سویی دیگر؛ قرار گرفته است که در آن حتی بازگشت مجدد به اسطوره‌ها و مناسک آیینی از دیدگاه عقلی و کاربردی صورت می‌گیرد و از ابعاد ایمانی و اعتقادی تهی است. بر این مبنا به نظر می‌رسد که راه حل منطقی این باشد که در عین توجه به درد فرهنگ عرفانی و دینی و ابلاغ پیام آن در صورت‌های هماهنگ با دیدگاه‌های امروز و تکنیک‌ها و دستاوردهای جدید شکلی ویژه از تلفیق مؤلفه‌های پدید آورنده عرضه گردد به گونه‌ای که صورت زیبایی برآمده از عناصر زمانی؛ ظرفیت پذیرش معنای ژرف و گسترده بی‌زمان را در خود بیابد. در شکل‌گیری معماری ایران، نظر، جهان‌بینی و تفکر ارتباط بسیار نزدیک با فضا داشته است. این امر ممکن است در مرحله اول جستجوگر حل مسائل جوی و اقلیمی بوده باشد ولی در مراحل تکمیلی، ذهنیت و مفهوم است که در آن کلیه تحولات عقلانی و تخیلات معنوی نفوذ کرده‌اند. همان‌گونه که پیرنند، گاه به دنیا و زندگی در جوشش مکان‌ها و فضاها در تمامی ساختمان‌های معماری سنتی به چشم می‌خورد.

طراحی مجتمع مسکونی اگر با شناخت کاف از فرهنگ و آداب و رسوم استفاده‌کنندگان آن همراه نباشد، الزاماً باعث بروز تضاد و دوگانگی بین آداب و رسوم، باورها (فرهنگ) و کارکردهای فضای مسکونی می‌شود. در این صورت ساکنان تا حد ممکن می‌کوشند، با دست‌کاری و تغییر در معماری بنا، واحد مسکونی را با آداب و رسوم و باورها و عقاید و ویژگی‌های زیست محیطی، و در یک کلام، با نیازها و ضرورت‌های فرهنگی و اجتماعی خود منطبق کنند. اگر بیگانگی معماری واحد مسکونی با ویژگی‌های فرهنگی به حدی باشد که تغییرات و اصلاحات نتواند آن را با نیازها و ضرورت‌های فرهنگی همراه کند، این معماری به تدریج در نیازها و ضرورت‌های فرهنگی ساکنان تغییر ایجاد خواهد کرد، در حقیقت می‌توان گفت اگر واحد مسکونی با فرهنگ جامعه سازگاری نیابد، در نهایت فرهنگ جامعه ناچار از سازگاری با معماری واحد مسکونی خواهد شد. در غیر این صورت زندگی در تضاد و تراحم دائم برای ساکنان دشوار خواهد بود.

از جمله مهمترین مسائل فرهنگی ما ایرانیان که تاثیر آن بر معماری غیر قابل انکار است مقوله حریم می‌باشد، حریم مسئله‌ای است که از جنبه‌های گوناگون دارای اهمیت و قابل

بررسی است، با نگاهی به معماری گذشته خود و دیدن خانه‌های درونگرا که به مسئله حریم از جنبه‌های گوناگون پاسخ می‌دادند، و آن را به نحو مطلوبی به وجود می‌آورند. و با داشتن فضاهای مختلف برای رسیدن به بخش‌های خصوصی خانه سلسله مراتب حریم را به کامل‌ترین شکلی ایجاد می‌کردند. و از طرفی با توجه به وضعیت کنونی معماری که آنقدر به اقتصاد و ارتباط و الگوگیری از جوامع دیگر پرداخته که حریم را از یاد برده است. متوجه خلاء بزرگی می‌شویم که با فرهنگ و مذهب ما عجین می‌باشد.

پیشینه معماری در ایران

معمولاً در غرب با ریزه دراره برای یافتن ریشه‌های معماری معاصر، دوره‌های از نیمه دوم قرن هجدهم (سال ۱۷۶۰ آغاز انقلاب صنعتی) تا اوایل دهه قرن بیستم را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهند. از این پس را از معماری معاصر یا معماری مدرن که جنبش مدرن در آن تقریباً شکلی جهانی به خود می‌گیرد می‌دانند و علل اصلی پیدایش معماری مدرن را ناشی از تغییر سلیقه، پیشرفت‌های ساختمانی چه از لحاظ علمی و فنی همین طور در نظریه‌ها و نگاه‌های جدید به جهان، قلمداد می‌کنند.

حال، اگر بخواهیم روند بررسی بالا را در مورد معماری معاصر ایران به کار گیریم با نیمه نخست قرن دوازدهم (دقیقاً سال ۱۱۸۸ شمسی) مصادف می‌شویم، یعنی دوران حکومت افشاریه، ولی آگاهی از تاریخ کشورمان کافی است تا بدانیم در این دوران نه تنها از انقلاب صنعتی خبری نیست، بلکه هنوز از آثار آن نیز به کلی مصون هستیم.

در جستجو برای انتخاب تاریخ و مبدأ این قضیه، پی می‌بریم که تا اواسط دوره قاجاریه، معماری و هر آنچه که به آن مربوط می‌شد در نوعی پیوستگی و به صورت مجموعه‌ای واحد، قابل درک و تحلیل است. با این امر اشکال، فرم‌ها و روش‌های مختلف طرح و اجرای ساختمان‌ها توسط صاحب کاران و معماران با شرایط مختلف زمان و مکان تغییر می‌کردند، ولی تمام مراحل کار از توازن و تناسبی مستحکم بین جامعه و معماری حکایت دارد.

تنها در جزئیات است که بر اثر سلیقه معماران یا خواست صاحب کاران، تغییراتی به چشم

می‌خورد. بدین ترتیب می‌توان گفت که تغییرات یا تفاوت‌ها در سطح بیان معماری است. تا این زمان معمار را نمی‌توان از جامعه منفک کرد، معمار نیز یکی از اعضای جامعه است و در تقسیم کار گروهی، مانند همه در حیطه خواست‌ها و نیازهای جامعه فعالیت دارد. لازم به ذکر است که مسائلی نظیر رابطه معمار و جامعه، یا وظیفه‌ای که جامعه بر عهده معمار نهاده است مباحثی هستند که دوره اخیر مطرح شده‌اند.

در ادامه مطالعه و بررسی از سویی می‌توان از روش معمول تاریخ هنر تا آغاز معماری مدرن که در آن مسئله اصلی مطالعه ارزش‌های فرمال است تبعیت کرد، که در این روش اصولاً به کیفیات و روابط فرم‌ها، به‌ویژه فرم‌های اصلی بنا توجه شده و با در نظر گرفتن آن تغییرات به توضیح و تفسیر عوامل مختلف بنا پرداخته می‌شود. ولی از سوی دیگر مشاهده می‌گردد که از اواسط دوره ناسیونالیسم و رابطه معماری و جامعه کم‌کم تغییر می‌یابد و این تغییر در دوره پهلوی به اوج خود می‌رسد.

البته در اینجا نیز استفاده از روش بالانهاگان پذیر است و می‌توان از مطالعه فرم‌های دوره گذشته به بررسی فرم در معماری نیز پرداخت و از تغییر و تحول این فرم‌ها، هنرمندان یا سبک‌های ویژه‌ای سخن راند. ولی همان‌طور که ثابت شده است این‌ها بخش کوچکی از رویدادهای معماری و فرهنگ معاصر را تشکیل می‌دهند، زیرا که علاوه بر آنها در امر تغییر و تحولات اجتماعی اجتماعی، مسائلی تازه، جدا از رسوم و مادات موروثی مطرح می‌شوند که در زمینه معماری در درجه نخست اهمیت قرار می‌گیرد.

بنابراین این ضرورت به چشم می‌خورد که حیطه مطالعات را باید وسیع‌تر کرد، تحولات در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فنی را هم در نظر گرفت و تأثیرات آن‌ها را در معماری مورد بررسی قرار داد، هر چند که رابطه یا پیوستگی این عوامل به معماری چندان مشهود به نظر نمی‌رسد، ولی ادامه کار روشن می‌سازد که به علت مطرح شدن احتیاجات مادی و معنوی جدید، افکار نو و وسایل جدید، این مسائل به تدریج وارد میدان فعالیت معماری شده تا جایی که نوعی معماری جدید را مطرح می‌کنند و به وجود می‌آورند که به هر حال معماری گذشته متفاوت است.